



نسخه‌های خطی به زبان فارسی یهودی*

ژام دارمستتیر

ترجمه و تحقیق احمد سمیعی (گیلانی)

در کتابخانه ملی^۱ پاریس شماری نسخه خطی فارسی با الفبای عبری وجود دارد که آقای مونک^۲ (در *Bible de Cahen*^۳, IX, 134-159) حدود چهل سال پیش اهمیت آنها را گوشزد

* ترجمه مقاله‌ای با مشخصات کتاب‌شناسی زیر:

DARMESTER, James, "Nouveaux manuscrits judéo-persans" *Revue critique*, tome XIII, 1er semestre, 1882, pp. 450-454.

1) Bibliothèque quénationale

۲) Munk، زالومون (۱۸۰۳-۱۸۶۷)، خاورشناس یهودی متولد آلمان و مقیم فرانسه. وی با زبان‌های آلمانی، فرانسه، سنسکریت، عربی، فارسی آشنا بود. در مصر، متون خطی فراوانی به دست آورد و آنها را به پاریس برد. در سال ۱۸۶۴، استاد زبان عبری کولژ دو فرانس Collège de France شد در حالی که نابینا شده بود. دلالة الحائرین (عربی) موسی بن میمون (۵۲۹-۶۰۱) را با الفبای عبری همراه ترجمه فرانسه آن (۳ جلد، ۱۸۵۶-۱۸۶۶) منتشر کرد. از کارهای دیگر اوست: ترجمه عبری بخش‌هایی از تدبیر الموحّد ابن باجه (وفات: ۵۳۳)؛ ترجمه فرانسه ینوع الحیات ابن جبرون، شاعر و فیلسوف یهودی (حدود ۴۱۲-۴۵۰)؛ مقالاتی درباره فارابی و غزالی و ابن رشد و کندی؛ شرح کتبیبه‌های فنیقی که در مناطق ساحلی سوریه و لبنان کشف شده بود. - مترجم

۳) ساموئل کاهن، عبری‌دان و علامه فرانسوی (۱۷۹۶ میثز - ۱۸۶۲ پاریس)، بنیان‌گذار بایگانی اسناد اسرائیلی فرانسه (۱۸۴۰) Archives israélites de France. اثر عمده او ترجمه کتاب مقدس است که با متن عربی و یادداشت‌ها و توضیحات منتشر شده است (۱۸۳۱-۱۸۵۵). - مترجم

ساخته است. این نسخه‌ها، که ۲۰ فقره به شماره‌های ۷۰، ۷۱، ۹۰، ۹۱، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۶-۱۲۵، ۱۲۷-۱۳۰ مجموعه‌اند، حاوی ترجمه تقریباً همه بخش‌های کتاب مقدس و چند فقره از آپوکریف (مجموعات کتاب مقدس) (طوبیت، یهودیت، بعل، مکابیان^۴) اند. نسخه‌ها عموماً در قرن شانزدهم کتابت شده‌اند اما متن آنها بس کهنه‌تر است. نسخه شماره ۱۲۷ حاوی گاهنامه‌ای است که در سال ۱۵۹۱ تقویم سلوکی^۵ یعنی سال ۱۲۸۰ میلادی، زمانی که سلسله مغولان در ایران حکومت می‌کرد، نوشته شده است. زبان نسخه‌ها کهن، و هرچند فارسی نو، حاوی واژه‌ها و حتی صوری دستوری است که جز در زبان قدیم وجود ندارند. توضیح غالب خصوصیات زبانی را که مونک آنها را برنموده در زبان پهلوی می‌توان سراغ گرفت. با مطالعه کامل همه این ترجمه‌ها چه‌بسا مواد سودمند تازه‌ای به واژگان زبان کهن افزوده شود؛ در مواردی، این ترجمه‌ها حتی روشنگر برخی مشکلات اوستا خواهند بود. (IV, 218, مقالات انجمن زبان‌شناسی *Mémoires de la Société de linguistique*)

نسخه‌های خطی کتابخانه ملی پاریس تنها ترجمه‌اند و فقط به لحاظ زبانی ارزشمندند^۶ و برای تفسیر چندانی به کار نمی‌آیند^۷. آقای مونک نشان داده است که ترجمه مترجمان دقیق نیست. تنها یک نسخه، نسخه شماره ۱۲۹ است که از حیث متن ارزشمند و حاوی قصه آپوکریفی^۸ دانیال است و آقای زوتنبرگ^۹ آن را چاپ و منتشر کرده است.

4) Tobie, Judith, Bel, Macchabé es

- (۵) سال ۳۱۲ ق م (تاریخ بازگشت سلوکوس اول به بابل) مبدأ تقویم سلوکی است. - مترجم
- (۶) آقای مونک نمونه‌ای از کتاب اشعیا (باب پنجم) عرضه داشته است؛ آقای نوباوئر باب پنجاه و سوم آن (The fifty third chapter of Isaiah, Oxford 1876) را به چاپ رسانده است.
- (۷) منبع ترجمه فارسی طوسی (قسطنطنیه ۱۵۴۶) همین نسخه است.
- (۸) apocryphe (ابوکریفا، پوشیده، پنهان). آپوکریف عهد قدیم مشتمل است بر ایشدراس اول و دوم، طوبیت، یهودیت، اِسْتِر، حکمت سلیمان، حکمت یسوع، کتاب دانیال نبی، دعای مَنَسی، مکابیان اول و دوم.
- (۹) ZOTENBERG، هِرمان (۱۸۳۶-۱۹۱۴)، مستشرق فرانسوی. از آثار اوست: فهرست نسخه‌های خطی حبشی و سریانی و عبری و سامری کتابخانه ملی پاریس؛ بررسی انتقادی تاریخ و ادبیات (۱۸۶۶)؛ ترجمه تاریخ بلعمی به زبان فرانسه (پاریس ۱۸۶۷-۱۸۷۴)؛ ترجمه قسمتی از عَزْزُالسیرِ ثعالبی مرغنی به زبان فرانسه که در پاریس چاپ و منتشر شد. - مترجم

وجود این ترجمه‌ها و این متون آپوکریفی چه بسا می‌توانست این فرض را پدید آورد که یهودیان ایران ادبیات خاص خود را داشته‌اند. کشف تازه دوست ما آقای نوباوئر^{۱۰} ثابت می‌کند که این فرض درست است. وی پنج نسخه خطی فارسی یهودی به دست آورده که خوشبختانه هیچ‌یک از آنها در مقایسه با نسخه‌های خطی شناخته‌شده پیشین تکراری نیستند و محتوای برخی از آنها دال بر آن است که در این نوشته‌ها تازگی‌های جالبی می‌توان یافت. آقای نوباوئر از راه لطف این نسخه‌ها را به من نشان داده است و من توانستم تنها نگاهی گذرا بر آنها بیفکنم. و اینک خلاصه‌ای مختصر از محتوای این پنج نسخه و خصوصیات آن‌ها که در نظر اول به چشم می‌خورد:

۱. نسخه‌ی واژه‌نامه مختصر و ناقص واژه‌های دشوار کتاب مقدس که به ترتیب مندرجات این کتاب مرتب شده است و آن مجموعه‌ای است شبیه مجموعه‌های *laazi m* فرانسه که برادرم [ظاهراً مراد همان نوبائیر است. - مترجم] در *Romania, I, 146* از آن یاد کرده است. - نسخه متأخر و ناقص است و ارزش زیادی ندارد و در آن بی‌گمان چیزی نیست که پیش از آن در ترجمه‌ها نیامده باشد.

۲. اسفار خمسه با Haphtarothها و مزامیر: متن عبری، گاهنامه اعیاد، به زبان فارسی، که در سال ۱۷۹۱ سلوکی (= ۱۴۸۳ میلادی) در شهر قم کتابت شده است. آقای نوباوئر آن را برای تاریخ مسوره^{۱۱} مهم می‌داند.

۳. نسخه خطی جدید (۱۸۰۷)، قریب ۲۰۰ برگ ۲۰ تا ۲۲ سطری در هر صفحه، به خط فشرده ربّنی^{۱۲}، حاوی الف) گاهنامه‌ای آیینی برای قرائت قانون^{۱۳}؛ ب) ترجمه

10) NEUBAUER

(۱۱) مسوره، مجموعه روایات علمای قدیم یهود در باب صورت صحیح متن عهد قدیم؛ همچنین، در عهد قدیم مکتوب، حواشی مشتمل بر این روایات؛ نیز متن آن به انضمام حواشی. روایات مسوره‌ای راگروهی از عالمان و کاتبان یهود معروف به اصحاب مسوره یا مسورت‌ها بین قرن‌های ۵ و ۸ م فراهم آورده‌اند و مکتوب شده است. - مترجم

(۱۲) ربّنی (= استاد ما) یا ربّی (= استاد من)، عنوان علما و مجتهدان جامعه یهود؛ عنوان احترامی که تلمیذان حاخامیم (= شاگردان حکیم) برای استاد خود اختیار می‌کردند. - مترجم

(۱۳) Loi (عبری: هلاخا)، قسمتی از میدراش و تلمود که احکام مذهبی مستخرج از تفسیرهای غیر مدون تورات در آن درج شده است. هکادا قسمتی دیگر است که احکام شفاهی شریعت، در آن، با تمثیل و تشبیه و استعاره بیان شده است. - مترجم

تعبیرنامه‌های گائون^{۱۴} و آن به یقین ترجمه *Pitarôn Halômôth* منسوب به های گائون، از آخرین بازماندگان گائون^{۱۵} های جماعات بابل (۹۶۹-۱۰۳۸ م) است که در سال ۱۵۵۲ در فزاره^{۱۶} به چاپ رسیده است^{۱۷}؛ (ج) کتاب قزبادی (= قرابادین) که در آن از داروهای یونانی بسیاری یاد شده است و چند صفحه از آن حاوی ابیاتی است در وصف اطعمه. در مطالعه اجمالی آن، نام مؤلف و مترجم این نوشته را نیافتیم. در کتابخانه ملی پاریس ترجمه‌ای از رساله اقرابادین یوحنا دمشقی^{۱۸} (نسخه خطی شماره ۱۱۲۸) محفوظ است.

۴. تاریخ مقدس منظوم به زبان فارسی. نسخه خطی شماره نخورده، قریب به ۲۵۰ برگ، حاوی ۱۸ بیت در هر صفحه؛ به وزن منظومه ویس و رامین، فاقد ورق‌های اول. نخستین فصل کامل آن متعلق است به قصه یوسف با عنوان «انگیز کردن زنان مصر زلیخا [را] بفرستادن یوسف را به زندان و فرمان بردن^{۱۹} زلیخا». آخرین فصل متعلق است به داستان داود با عنوان «فرستادن حیرام Hi ram ملوک چین [در عهد عتیق، کتاب اول پادشاهان، باب پنجم، ۱، حیرام پادشاه صور خوانده شده است. - مترجم] ساوری^{۲۰}ها و تحفه بهر داود». نشانه‌ای دال بر آنکه منظومه به این فصل ختم شده باشد وجود ندارد.

14) Hai Gaon

15) Gaon (واژه عبری)، عنوان رؤسای مدارس یهودی بابل که از قدرت دینی و قانونی و قضائی برخوردار و مورد حمایت چند مجمع - سنای کوچک، سنهدرین بزرگ و کوچک - بودند. سنهدرین یا سنهدرین عنوان محکمه حقوقی و شرعی یهودیان قدیم در بیت المقدس بود. به قول بعضی از محققان، دو سنهدرین وجود داشته: یکی سیاسی و مدنی؛ دیگری، معروف به سنهدرین بزرگ، منحصرأ دینی. - مترجم

16) Ferrare (در ایتالیا)

17) Steinschneider, *Catalogue* (فهرست، مجموعه)

و مقاله «نوشته‌های یهودی» در

Encyclopédie (دایرة المعارف) Ersch et Gruber, p. 447.

۱۸) یوحنا دمشقی، قدیس (وفات: پیش از ۷۵۴ م)، عالم الهیات سریانی و بزرگ‌ترین عالم الهی کلیسای یونانی. اثر عمده او، چشمه معرفت، حاوی سه بخش است: مقدمه‌ای فلسفی مبتنی بر فلسفه ارسطو؛ تحقیق درباره قریب صد بدعت مذهبی؛ اصول علم کلام مسیحی. ذکران او ۲۷ مارس است. تألیف کتاب پرلیم و یوآسف (روایت یونانی بلوهر و بوداسف) را به او نسبت می‌دادند که معلوم شد مؤلف آن یوحنا دیگری از صومعه قدیس ساباس زاهد (۴۳۹ م کاپادوکیه - ۵۳۲ اورشلیم)، بوده است. - مترجم

۱۹) در ترجمه فرانسه ظاهراً به خطا Zuleika en donne l'ordre (زلیخا فرمان آن داد) آمده است. - مترجم

۲۰) ساوری (مغولی)، هدیه. - مترجم

تنها همین دو عنوان نشان می‌دهند که مصنف چه آزادانه موضوع را ساخته و پرداخته است. در حقیقت، این اثر کتاب مقدس به ذایقه خوانندگان آثار فردوسی و نظامی است. زلیخا نام همسر پوتیفار در سنت شعری مسلمانان است. جا دارد بررسی شود که مصنف یهودی تا چه اندازه از این سنت پیروی کرده است و شاید بتوان انتظار داشت که این منظومه بر اصل این افسانه و نخستین صور آن پرتوی بیفکند. Hi ram پادشاه چین است^{۲۱}، چون، در شاهنامه فردوسی، پادشاهان بزرگ ایران از شاهان چین و ماچین تحفه دریافت می‌کنند. عادت بر این است که نام حیرام Hi ram را بیشتر در بستگی آن با سلیمان شاهد باشیم تا در رابطه با داود. مع الوصف آغازگاه داستان فصل مذکور در کتاب مقدس (کتاب اول پادشاهان، باب پنجم، ۱۵) وجود دارد. جا دارد تحقیق شود که مصنف از مدراش^{۲۲} بهره جسته است یا نه.

۵. ترجمه مزامیر (از مزمور ۱ تا مزمور ۱۲۷). این پاره به دو لحاظ ارزش دارد: یکی آنکه جای خالی مجموعه کتابخانه ملی پاریس را که فاقد مزامیر است پر می‌کند؛ دیگر آنکه، در سرلوحه ترجمه یادداشتی هست حاکی از آنکه این ترجمه، با ترجمه اسفار خمسه، برای شاه ایران صورت گرفته است. سرلوحه به این شرح است:

Beshimka rahmanâ u hananâ dar lughati ‘arab mî gûyand bism (illahi ra) hmâni varahimi dar lafthi pârsî benâmi Khudâi bakhshâyandah u mihirbân al hâl benâm i Khudâi bunyâd mê kunam dar nivishtan panj sifrâi tehilî mcunân kih dar ..hân nivishtah shudah berâi hammelek haggadol kiblahi ‘âlam shahanshâhî (sic) i r h (= yarûm hôdô) dar nihâyati mubayyanî u mashr(û)hî dar muvâfiq muthâq (sic) hâi alfâth i ‘î brînivishtah gardî dah.

تحریر به خط فارسی: *Beshimka rahmanâ u hananâ*، در لغت عرب می‌گویند بسم(الله)الرحمن والرحیم، در لفظ پارسی: به نام خدای بخشاینده و مهربان. الحال به نام خدای

(۲۱) محتمل نیست که محرّف املائی Tsor باشد.

(۲۲) مدراش یا میدراس [عبری = تفسیر، تحقیق]، مجموعه تفسیرهای شفاهی احبار (معلمان دینی یهود) از کتاب مقدس در تلمود (آرامی مشتق از عبری = تعلیم، مجموعه مدون شریعت شفاهی یهود به ضمیمه تفاسیر خاخام‌ها، در مقابل شریعت مکتوب؛ شامل دو بخش: Mishna، متن شریعت شفاهی به عبری؛ گمارا، به زبان آرامی و نوعی تفسیر و ذیل بر Mishna). شرعیات آن را میدراس. هلاخائی (هلاخا = قانون) و ادبیات آن را میدراس. هگادائی می‌نامند.

بنیاد می (به یای مجهول) کنم در نوشتن پنج سِفْرای تَهْلیم چونان که در hân.. نوشته شده برای هَمَلِکْ هَگْگُدُلْ قَبْلَهُ عَالَمِ شَاهَنْشَاهِی (i r h =) ^{۲۳} yarüm hōdō در نهایت مُبَیِّنِی و مشر(و)حی در موافق مطاق(کذا)های الفاظ عبری نوشته گردیده.

ترجمه دارمستر (به فرانسه): (عبارت عبری) *Beshimka rahmaná u hananá*، به زبان عربی گفته می‌شود: بِسْمِ (الله) الرَّحْمَنِ وَالرَّحِيمِ: به فارسی: به نام خدای بخشاینده و مهربان. به نام خدا آغاز می‌کنم نوشتن اسفارِ خمسَه (و) مزامیر را آن چنان که در...^{۲۴} برای شاه بزرگ، که قبله عالم است، شاهنشاه (آفرین بر شکوه جلالش!): آنها با شرح و توضیح کامل و با معادل‌ها^{۲۵} (ی) دست الفاظ عبری نوشته شده‌اند.

این کدام شاه ایران است که فرمان ترجمه کتاب‌های مقدّس را داده است؟ به این پرسش پاسخ قطعی، که با فقدان اسنادِ دیگر جز فرض محض نخواهد بود، نمی‌توان داد. مع الوصف می‌توان گفت که این امر طبعاً ما را به سلسله مغول رهنمون می‌گردد. بی‌تفاوتی یا کنجکاوی سلاطین مغول در باب ادیان بر ما معلوم است: دو فرد شاخص از اینان یکی قویلای قآن، امپراتور بزرگ چین است در قرن سیزدهم میلادی؛ دیگری اکبرشاه، امپراتور بزرگ هند است در قرن هفدهم. مغولان ایران نیز دارای همین روحیه بودند: آنان، با سابقه سنتی شرک، نسبت به مسلمانان سرِ خصومت و با مسیحیان و یهودیان سر موافقت و مسالمت داشتند و دیرزمانی در انتخاب از میان دو یا سه دین گرفتار تذبذب بودند. چندین بار در اروپا شایع شد که آنان به مسیحیت گرویده‌اند. مغولان یکی از آنان به نام احمد^{۲۶} را، به گناه پذیرفتن دین اسلام و پیگرد و آزار مسیحیان، سرنگون ساختند. در زمان حکومت جانشین او، ارغون^{۲۷}، یهودیان نقش غالب یافتند. سعدالدوله^{۲۸}، پزشک یهودی، وزیر او بود. وی سه سال، از سال ۱۲۸۴ م

(۲۳) ظاهراً به جای «روحی فداه»... مترجم

(۲۴) آغاز کلمه افتاده. آقای Guyard بسیار هوشمندانه قرائت در (سپا)هان را پیشنهاد کرده است. در زبان این نوشته تعبیرات و صوری از کلام هست که از قلمی ناشی خبر می‌دهد.

(۲۵) Muthâq به حدس ترجمه شده است [دارمستر آن را محرف مطابق نگرفته است. - مترجم]

(۲۶) احمد، مراد نکودار احمد بن هولاکو است که در سال ۶۸۱ بر تخت سلطنت نشست و در سال ۶۸۳

درگذشت و ارغون پسر اباقاخان جانشین او شد. - مترجم

(۲۷) ارغون خان، چهارمین پادشاه (۶۸۳-۶۹۰) از سلسله ایلخانیان، پسر اباقاخان. - مترجم

(۲۸) سعدالدوله، وزیر معروف ارغون خان. وی فرزند طبیبی یهودی بود. در ابهر متولد شد. به بغداد رفت و

(۶۸۳ق) تا سال ۱۲۹۱م (۶۹۰ق) وزارت داشت و همهٔ مناصب عالی را به یهودیان و مسیحیان ارزانی داشت و به زیان مغولان و مسلمانان به آنان روی خوش نشان داد.^{۲۹} «وی دانشمندان و ادبا را پیرامون خود گرد آورد و از آنان حمایت کرد. از این رو، در مدح او اشعار بسیار سروده شد و به نام او آثار منثور تألیف شد. جزئی از این مدایح در مجلّدی به نام او جمع آمده است.^{۳۰}» لیکن او نزد سپاهیان، که به دست عناصر کشوری به صف دوم مناصب حکومتی رانده شده بودند، همچنین نزد انبوه جمعیت مسلمان که یهودیان و مسیحیان را بر خود مسلط می‌دیدند منفور گشت. وی را متّهم به آن ساختند که در صدد بنیان‌گذاری دین تازه‌ای است و اندیشهٔ قتل عام اعیان و اشراف را در سر دارد و، چون ارغون‌خان به بستر بیماری افتاد، وزیر او را چند روز پیش از مرگ سرورش به قتل رساندند. با مرگ سعدالدوله صلاهی پیگرد آزار یهودیان داده شد.

اگر به فرضیات علاقه‌مند باشیم، می‌توانیم فرض کنیم که سعدالدوله دستور این ترجمه را داد تا آن را به سلطان مغول ایران اهدا کند. لیکن ادبیات به زبان فارسی یهودی پیش از او رونق گرفته بود چون نمونه‌ای از آن مورّخ ۱۲۸۰م (۶۷۹ق)^{۳۱}، در زمان سلطنت آباقاخان^{۳۲}، که به مسیحی بودن شهرت داشت، در دست داریم. لذا ارغون یگانه‌کسی نیست که احتمال بانی بودن او داده شود و ما کلاً نتیجه می‌گیریم شاهی که این ترجمه برای او صورت گرفت بی‌گمان به سلسلهٔ مغول، آن‌هم در نیمهٔ دوم قرن

→ به طبابت پرداخت. در پرتو آشنایی با زبان‌های مغولی و ترکی، به دستگاه ارغون راه یافت و او را به معاندت با اسلام تشویق کرد. چند روزی قبل از وفات ارغون، مخالفان او را فروگرفتند و پس از شکنجه هلاک کردند (سلخ صفر ۶۹۰) و بامرگ او تالان یهود درگرفت. - مترجم

۲۹) در زمان وزارت سعدالدوله بود که پاپ نیکلای دوم سفیری به دربار ارغون فرستاد تا از تساهل او تشکر کند و او را به پذیرفتن دین مسیحی فراخواند. امیران غرب لحظه‌ای امیدوار گشتند که به یاری او مسلمانان را از فلسطین و آسیای مقدّم بیرون رانند. - مترجم

30) D'Ohsson, *Histoire des Mongols* (تاریخ مغولان), IV, 31sq. - GRAETZ, *Geschichte der Juden* (تاریخ یهودیان), 2e é d. VII, pp. 188, 196 sq.

۳۱) به قول Munk (به نقل از) THÅODORET apud, پیش از حضرت محمد (ص) ترجمه‌ای به زبان فارسی [کذا] از کتاب مقدّس وجود داشت و این اصلاً غیرممکن نیست چون یهودیان در عصر ساسانیان ایام درخشانی داشتند. از آن دوره چیزی به جا نمانده است. بی‌گمان در ادبیات فارسی یهودی گسست‌هایی بوده لیکن این حرکت هیچ‌گاه کاملاً قطع نشده است و چه‌بسا روزی بتوان آن را از عصر ساسانیان تا روزگار ما پی‌گرفت.

۳۲) آباقاخان، دومین پادشاه (۶۶۳-۶۸۰) از سلسلهٔ ایلخانیان، فرزند و جانشین هلاکو. - مترجم

سیزدهم میلادی (نیمه دوم قرن هفتم هجری)، تعلق داشت یعنی زمانی که، در ساحات دولتی و در آنجا که روح بطالسه^{۳۳} و اسکندر^{۳۳} در دربار اصفهان دمیده شده بود، کنجکاوی در باب ادیان رسم و باب روز بود.

در اینجا سؤالی فرعی پیش می‌آید که آیا ترجمه‌های موجود بقیه بخش‌های کتاب مقدس در همین فرصت پدید آمدند و یا پیش از آن یا پس از آن؟ سؤالی که بیشتر درخور طرح کردن است تا جواب دادن: شاید نسخه‌هایی خطی از ترجمه کتاب مقدس با همان سرلوحه پیدا شود؛ اگر تنها اسفار خمسه و مزامیر برای شاه مغول ترجمه شده باشد، خود نشانه آن است که نخستین بخش‌های کتاب مقدس ترجمه شده‌اند، و این به لحاظ آیینی (مناسک) و دین دور از انتظار نیست چون همین بخش‌ها هستند که از همه مهم‌ترند.

این ملاحظات و اظهارنظرها برای نشان دادن اهمیت نسخه‌های خطی آقای نوبوئر کافی‌اند و وجود نوشته‌هایی اصیل و بکر را در میان یهودیان ایرانی در قرون وسطا ثابت می‌کنند که شاخه خاصی است از متون فارسی غنابخش زبان و ادبیات ایران و در عین حال روشنگر تاریخ دینی این کشور.



۳۳) بطالسه، سلسله سلاطین مقدونی‌الاصل مصر قدیم که پس از مرگ اسکندر مقدونی (۳۲۳ ق م) به دست بطلمیوس اول ملقب به سوتر (= نجات‌دهنده) (وفات: ۲۸۳ ق م) تأسیس شد و تا سال ۳۱ ق م که رومیان بر مصر استیلا یافتند در آن کشور فرمانروایی داشتند. پادشاهان آن جز کلئوپاترا (آخرین آنان) به نام یونانی پتولمایوس (معرب آن: بطلمیوس) خوانده می‌شدند. - مترجم